

بررسی اصل عدالت در حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظریه شهید صدر (با تأکید بر عدالت توزیعی)

مهدی رعایائی

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی (گرایش اقتصاد اسلامی) پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.

roayaei@rihu.ac.ir

محسن داودآبادی فراهانی

دانش آموخته دکتری فقه تربیتی جامعه المصطفی العالمیه. قم. ایران.

Mohsend313@gmail.com

چکیده

یکی از عرصه‌های مهم هر کشور عرصه اقتصاد است که وظیفه حکومت در آن برقراری عدالت و توازن و زمینه‌سازی برای بهره‌مندی حداکثری مردم از امکانات و مواهب است. تبیین وظایف حکومت را می‌توان در دانشی به نام «حکمرانی» پیگیری کرد و وظایف اقتصادی دولت در دانش حکمرانی اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این تحقیق سعی بر آن است که حکمرانی اقتصادی از منظر اسلامی بررسی شود. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت در عرصه اقتصاد برقراری عدالت است، پرسش اصلی تحقیق این است که برقراری عدالت (توزیعی) در حکمرانی اقتصادی چه مؤلفه‌هایی دارد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در حکمرانی اقتصادی براساس قاعده عدالت، لازم است فرصت‌های اقتصادی، آموزشی، درآمدها، امکانات و مواهب عمومی و نیز اطلاعات به‌صورت عادلانه در جامعه توزیع شود؛ به‌طوری‌که ضمن برخورداری همه افراد از حداقل‌ها، زمینه بهره‌برداری بیشتر از این فرصت‌ها و ثروت‌ها برای همگان مساوی باشد.

کلیدواژه‌ها: قواعد فقهی، عدالت، عدالت توزیعی، مساوات، حکمرانی اقتصادی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در اندیشه دینی، مقصد حکومت و تصدی امور برپایی حق و عدل در بین مردم است و پیامبران الهی مأمور اقامه عدل بوده‌اند. در آیات متعددی از قرآن کریم نیز بر این نکته تأکید شده است که برقراری عدالت و قسط امری اقامه‌ای است و خودبه‌خود و بدون اقدام حکومت اسلامی ممکن نیست: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۱۳۵).

این امر مهم در سخنی از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به روشنی بیان شده است. ایشان در مورد مقصد حکومت و زمامداری می‌فرمایند: «وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعَ بَاطِلًا» (نهج‌البلاغه: خطبه ۳۳)؛ یعنی به خدا سوگند این [نعلین] نزد من محبوب‌تر است از حکومت بر شما؛ مگر آنکه به وسیله آن حقی را بر پا دارم یا باطلی را دفع کنم. ایشان مقصد همه مبارزات، تلاش‌ها و قدرت برای اداره امور را عدالت می‌دانند. یکی از عرصه‌های مهم اجتماع، که برقراری عدالت در آن جایگاه ویژه‌ای در تعالیم اسلامی دارد، عرصه اقتصاد و معیشت مردم است. رفتار انسان‌ها به‌ویژه در مسائل معیشتی و مادی تحت تأثیر شدید زیاده‌خواهی‌های افراطی است و این سبب می‌شود هر کسی که قدرت و امکانات بیشتری دارد، بر دیگران سلطه مستمر داشته باشد. برای جلوگیری از چنین وضعیتی، یکی از اهداف و وظایف دولت اسلامی جلوگیری از ستم اجتماعی و برپاداشتن عدالت، به‌ویژه در ابعاد معیشتی و اقتصادی است. عدالت اقتصادی به معنای رفع فقر و محرومیت، ایجاد رفاه عمومی و توازن در ثروت‌ها و درآمدهاست. در باب اهمیت عدالت اقتصادی می‌توان به فرمایش امام صادق (علیه‌السلام) اشاره کرد که می‌فرمایند: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ»: «اگر میان مردم به عدالت رفتار شود، همه بی‌نیاز می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۳: ص ۵۶۸). مطابق آیات قرآن (بقره: ۲۹) همه انسان‌ها در جایگاه جانشین خدا، حق بهره‌مندی از نعمت‌ها را دارند؛ بنابراین، تمرکز امکانات در دست گروهی اقلیت و محرومیت اکثریت مردم، نه با آموزه‌های اخلاقی اسلام سازگار است و نه با شأن جانشینی انسان تناسب دارد. دولت اسلامی مسئولیت دارد با کنترل و نظارت رفتارهای اقتصادی مردم و از طریق اجرای احکام اقتصادی اسلام در عرصه حقوق مالکیت، آزادی‌های فردی و اجتماعی و مقررات توزیع قبل و پس از تولید و توزیع مجدد درآمدها، زمینه رفع فقر و توازن اقتصادی را فراهم کند (موسویان، ۱۳۸۲: ص ۶۲).

البته باید توجه داشت که مفهوم عدالت و توازن اقتصادی به معنای دادن پاداش برابر به همگان، بدون توجه به نقش فرد در اقتصاد جامعه نیست. اسلام برخی تفاوت‌ها در درآمد و ثروت را

می‌پذیرد؛ زیرا همه انسان‌ها از نظر شخصیت، توانایی و خدمت به جامعه برابر نیستند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» (انعام: ۱۶۵)؛ یعنی او کسی است که شما را جانشینان خود در زمین ساخت و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید. در جامعه اسلامی، گرچه درجات گوناگونی از برخورداری وجود خواهد داشت، این تفاوت در حد تضاد کلی که در جوامع سرمایه‌داری وجود دارد نخواهد بود و با قائل شدن حق برخورداری حداقلی برای همه افراد، تفاوت‌ها متناسب با تلاش افراد خواهد بود و حکومت در ایجاد این حالت مطلوب وظایفی را به عهده دارد.

به‌طور کلی تبیین اهداف و وظایف حکومت را می‌توان در دانشی به نام «حکمرانی» پیگیری کرد. حکمرانی به مجموعه‌ای از روش‌ها و قوانین که حاکمان برای اداره جامعه از آن‌ها استفاده می‌کنند گفته می‌شود (Kjaer, 2004, pp 1-2). طبیعتاً یکی از عرصه‌های اداره جامعه عرصه اقتصادی است که حکمرانی اقتصادی عهده‌دار آن است و یک اصل مهم در حکمرانی اقتصادی، برقراری عدالت (توزیعی) است. چگونگی برقراری عدالت اقتصادی توسط حکومت و دلالت‌های این قاعده مهم در عرصه حکمرانی اقتصادی سؤال اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد. در پاسخ به این سؤال اندیشمندان اسلامی مطالبی در کتب و مقالات خود ارائه فرموده‌اند که یکی از منظم‌ترین اندیشه‌ها متعلق به متفکر معاصر شهید سید محمدباقر صدر (رحمة الله علیه) است. به اعتقاد این متفکر، دولت اسلامی وظیفه دارد عدالت و توازن اجتماعی به معنای یادشده را به صورت هدفی مهم و اساسی تعقیب کند (صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۷۱). ایشان به ارائه راهکارها و نکاتی برای برقراری عدالت اقتصادی و وظایف حکومت در مکتوبات خود پرداخته‌اند که به نظر رسید لازم است مدون و تبیین شود.

از آنجاکه هدف اصلی این تحقیق تبیین راهکارهای عدالت اقتصادی (با تمرکز بر عدالت توزیعی) در حکمرانی از منظر اسلامی است، تحقیق حاضر سعی دارد با روش «تحلیلی» مسئله حکمرانی در عرصه اقتصاد را از منظر تعالیم اسلامی با تکیه بر اصل عدالت (توزیعی) و با تأکید بر آرای شهید صدر، مورد بررسی و تفحص قرار دهد. در این مقاله پس از تبیین مفهوم حکمرانی و حکمرانی اقتصادی، به تبیین اصل عدالت پرداخته می‌شود و در پایان نیز قاعده عدالت بر حکمرانی اقتصادی تطبیق و مصادیق آن ارائه می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

از آنجاکه مطالعه حاضر در پی بررسی اصل عدالت در حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظریه شهید صدر است، فاقد پیشینه منسجم است؛ اما در زمینه‌های مرتبط مانند حکمرانی اقتصادی و نیز در باب عدالت پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها به صورت مختصر اشاره می‌شود. مبارک و آذریوند (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»، ضمن بیان اینکه یکی از هدف‌های اصلی تمام نظام‌های اقتصادی، به‌ویژه اقتصاد اسلامی، تحقق رشد و توسعه اقتصادی است، به بررسی اثر عامل نهادی در کنار عامل‌های اقتصادی دیگر بر رشد اقتصادی پرداخته و فرضیه رابطه مثبت و معنادار بین محیط نهادی و رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند.

شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۹۱) در مقاله «رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای برگزیده» به تحلیل آماری شاخص‌های نهادی حکمرانی (براساس تعریف بانک جهانی) و برخی از متغیرهای عملکرد بهداشتی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی توسعه طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ برای ۳۵ کشور پرداخته‌اند. به‌طور کلی نتایج مطالعه نشان می‌دهد بهبود شاخص‌های حکمرانی همچون شفافیت، پاسخ‌گویی و غیره در کشورهای مورد بررسی می‌تواند اثرات معناداری بر ارتقای شاخص‌های توسعه از قبیل درآمد سرانه بالاتر، امید به زندگی بالاتر و غیره داشته باشد.

در مطالعات خارجی بسیاری از محققان مانند یائسو، واتانیب و لی^۱ (۲۰۰۹)، محمد و استروبل^۲ (۲۰۰۹)، تامسون^۳ (۲۰۰۷)، شارما^۴ (۲۰۰۷)، دیاموند^۵ (۲۰۰۰) و چیم و مگویر^۶ (۲۰۰۳)، واگنر^۷ (۲۰۰۴) و آژانس توسعه بین‌المللی سازمان ملل^۸ (۲۰۰۳)، بر اهمیت حکمرانی و مؤلفه‌های آن (از قبیل شفافیت، دسترسی به اطلاعات و پاسخ‌گویی دولت به شهروندان از طریق مطبوعات آزاد، کارایی و اثربخشی در مدیریت کشوری و نیز حاکمیت قانون برای ریشه‌کن کردن فقر و افزایش رفاه جوامع تأکید شده است.

1. Xuening Yao, Chihiro Watanabe, Ying Li
2. Arif Marie Mohammad and Eric Stroble
3. Mark R. Thompson
4. Shalendra D. Sharma
5. Larry Diamond
6. Shabbir Cheema and Linda Maguire
7. HansJürgen Wägener
8. United States Agency for International Development

در باب عدالت هم می‌توان برای نمونه به مقالاتی اشاره کرد: زرqa (۱۳۷۹) در مقاله خود با عنوان «عدالت توزیعی در اسلام» ضمن اذعان به این نکته که اسلام، به‌عنوان دینی جامع، راهبردها و ابزارهای اجباری و داوطلبانه توزیعی متعددی همچون زکات، زکات فطره، انفاق واجب بر بستگان فقیر و غیره را جهت جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده‌ای مخصوص و تضمین تأمین نیازهای اولیه و تأمین حداقل معاش برای گذران زندگی تمامی شهروندان ارائه می‌دهد، این ابزار را براساس فقه اهل سنت به تفصیل مورد بحث قرار داده و میزان کارایی نظام اسلامی و توزیع مجدد درآمد، ثروت و سایر منابع در امر فقرزدایی و کاهش فاصله میان توانگران و ناداران را بررسی کرده است.

آقانظری (۱۳۸۳) در پژوهش «عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام» با بیان اینکه در ساحت روابط اقتصادی، پدیده‌های نابهنجاری از قبیل بیکاری، عدم تثبیت قیمت‌ها، کاهش ارزش پول ملی و غیره، نمودهایی از بی‌عدالتی اقتصادی به‌شمار می‌آید (به‌نحوی که همواره یکی از دغدغه‌های اندیشه‌وران اقتصادی بوده و هست)، سعی کرده است ماهیت عدالت اقتصادی از نظر افلاطون و ارسطو، از متفکران اجتماعی یونان، و دیدگاه اسلام را مورد ارزیابی قرار دهد.

حسینی (۱۳۸۷) در پژوهش «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام (بررسی انتقادی نظریه شهید صدر)» بیان می‌کند که با عنایت به قواعد توزیع درآمد و ثروت در اسلام، معیارهای عدالت باید در سه سطح جداگانه معرفی شود: ۱. مبدأ عدالت در امکانات و فرصت‌های اولیه؛ ۲. فرایند: عدالت در رابطه‌ها و فرایند تولید و توزیع؛ ۳. نتیجه: عدالت در وضعیت نهایی و نتیجه عملکرد نظام اقتصادی. وی معتقد است که شهید صدر با اینکه در نظریه توزیع به قواعد توزیع در هر سه سطح پرداخته است، در نظریه عدالت، فقط دو معیار «توازن عمومی» و «تأمین اجتماعی» را در جایگاه ارکان عدالت اقتصادی معرفی می‌کند. مقاله حاضر بر این دیدگاه تأکید می‌کند که اولاً، این دو معیار فقط به ارزیابی وضعیت عادلانه در مرحله نتیجه ناظر است و تحقق آن‌ها بدون توجه به تحقق عدالت در مرحله مبدأ و فرایند، نشانگر تحقق عدالت اقتصادی نخواهد بود و ثانیاً، عدالت توزیعی در مرحله نتیجه به‌صورت یک اصل حقوقی و الزام‌آور، با اتکا به معیار واحد تأمین اجتماعی قابل ارزیابی است.

احمدی (۱۳۹۱) در مقاله «معیار عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری با تأکید بر اخلاق حکومتی امام علی (علیه‌السلام)» ضمن بررسی و نقد نظریه‌ها در عدالت توزیعی و نشان دادن ناکارآمدی هر یک از آن‌ها، بیان می‌کند که هر یک از عناصر «کار»، «نیاز» و «برابری همگانی» که در نظریه‌های مربوط به عدالت توزیعی معیارهای توزیع عادلانه‌اند، می‌توانند ابزاری برای شناخت حقوق افراد به‌حساب آیند نه معیاری عمومی و کلی؛ ازاین‌رو، وی مبنای عدالت

توزیعی را حقوق افراد و رعایت استحقاق‌های ناشی از «کار» و «نیاز» و غیره می‌داند و بر این اساس، معتقد است که نسبت «عدالت توزیعی» با «رفتار برابر و یکسان بین افراد» نسبت عموم و خصوص من وجه است.

حسنعلی علی‌اکبری‌ان (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «ضابطه عدالت توزیعی در اقتصاد و سیاست» تلاش کرده است تا با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که چه خیری در حکومت باید به‌نحو عادلانه توزیع شود و ضابطه عادلانه بودن این توزیع چیست؟ وی در پایان نتیجه می‌گیرد که حکومت باید اموال و فرصت‌هایی که در اختیار خود دارد را با دو ضابطه تأمین کفاف عمومی و تعدیل ثروت توزیع کند. این ضابطه نتیجه‌گرایانه است. وی همچنین معتقد است که ضابطه تکلیف‌گرایانه مثل برابری، استحقاق و نیاز، یا ترکیبی از آن‌ها در جوامع امروز کارآمد نیستند.

هادوی‌نیا (۱۳۹۹) در مقاله «معیارهای عدالت توزیعی از دیدگاه قرآن کریم» درصدد پاسخ به این پرسش است که اقتصاد چگونه می‌تواند از تخصیص و توزیع کارآمد منابع (طبیعی انسانی) و درآمد برخوردار باشد؟ به عبارت دیگر، در اقتصاد اسلامی تخصیص و توزیع منابع (طبیعی انسانی) و درآمد براساس چه معیار یا معیارهایی صورت می‌پذیرد؟ هندسه حاکم بر این معیارها چگونه است؟ نویسنده معتقد است که در نظریه توزیع از دیدگاه قرآن کریم، پنج معیار توزیعی نقش‌آفرین هستند که عبارت‌اند از: کاهش نابرابری در درآمد، نیاز واقعی ضروری، کار مباحثی، نیاز واقعی متوسط شخصی (در حد کفاف و شأن) و نیاز واقعی متوسط دیگران (در حد کفاف و شأن).

بنابر آنچه در بالا گفته شد، تحقیقات انجام‌شده در موضوع حکمرانی و به‌ویژه حکمرانی اقتصادی کمتر با رویکرد اسلامی بوده و لازم است حکمرانی اقتصادی از منظر اسلامی بیش‌ازپیش مورد توجه تحقیقات علمی قرار گیرد و نیز پژوهش‌های انجام‌گرفته با موضع عدالت و عدالت توزیعی عمدتاً کم‌توجه به نقش حکومت و ارائه مؤلفه‌ها یا دلالت‌های (راهکارهای) اصل عدالت در حکمرانی بوده است؛ بنابراین، تحقیق حاضر بنا دارد تا یکی از مهم‌ترین مسائل در زمینه حکمرانی اقتصادی یعنی بحث عدالت توزیعی را با رویکرد اسلامی مورد بررسی قرار دهد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، برای این مهم سعی شده است تا از نظریات شهید صدر استفاده شود و دلالت‌های اصل عدالت در حکمرانی اقتصادی به‌عنوان راهکارهای عملیاتی اداره امور اقتصادی و معیشتی جامعه بیان شود.

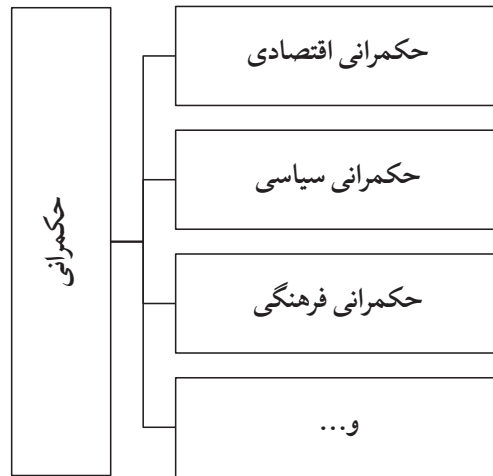
۳. ادبیات موضوع

۳-۱. حکمرانی

در باره حکمرانی تعاریف متعدد و متفاوتی ارائه شده است. در برخی تعاریف، حکمرانی به عنوان اداره قواعد سیاسی رسمی یا غیررسمی یک بازی مطرح شده است؛ در واقع طبق این تعریف، حکمرانی اشاره به آن معیارهایی دارد که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در چهارچوب آن قواعد است (Kjaer, 2004, pp1_2). همچنین، بانک جهانی در تعریفی اولیه، حکمرانی را به عنوان مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادها که حاکمان در چهارچوب آن‌ها عمل می‌کنند یا به عنوان روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها یا تصدی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت کلیه مناسبات کشور در کلیه سطوح تعریف کرده است (World Bank, 2000). این تصدی‌گری شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع حقوق قانونی خود را مطالبه کرده، با تعهدات خود آشنا شده و در مورد تفاوت‌ها با یکدیگر مواجه می‌شوند (World Bank, 2007: p 4). از این عبارت چنین برداشت می‌شود که حکمرانی یک فرایند است که در آن حاکمان درباره قوانین رایزنی و آن‌ها را وضع می‌کنند و در نهایت، این قوانین ابلاغ و اجرا می‌شوند؛ بنابراین، درک مفهوم حکمرانی مستلزم شناخت قوانین و وضع‌کنندگان آن‌ها و نیز شناخت فرایندهای انتخاب و تبیین قوانین و رابطه آنان با یکدیگر و با جامعه است.

تعاریف جدید حکمرانی بیانگر مفهومی وسیع‌تر از حکومت هستند. کاربرد جدید این واژه فقط شامل بازیگران و نهادهای دولت نمی‌شود؛ بلکه شامل سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ص ۱۹۴). از این روی، اصطلاح مذکور حکمرانی دولت را در بر می‌گیرد، اما با درگیر کردن بخش خصوصی و جامعه مدنی از آن فراتر می‌رود. هر سه آن‌ها برای توسعه انسانی پایدار ضروری هستند (United Nations Development Programme, 1998: p 25).

با توجه به آنچه بیان شد، حکمرانی می‌تواند در سطوح مختلف از جمله عمومی، جهانی، غیرانتفاعی و شرکتی در عرصه‌های مختلف مانند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی، فضای مجازی یا حتی در مدل‌های مختلف مثل چندسطحی، مشارکتی، تنظیمی و مشترک مطرح شود. در این میان، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حکمرانی، حکمرانی اقتصادی است.



نمودار ۱. عرصه‌های حکمرانی

۲-۳. حکمرانی اقتصادی

اصطلاح حکمرانی اقتصادی به نظام‌ها، نهادها و رویه‌های ایجادشده برای دستیابی به اهداف اقتصادی (شامل پیشرفت و رفاه عمومی)، از طریق اجرا و هماهنگ‌سازی سیاست‌های اقتصادی اشاره دارد. در واقع، حکمرانی اقتصادی به تنظیمات سیاستی و نظارتی اشاره دارد که دولت‌ها برای مدیریت اقتصاد اتخاذ می‌کنند. حکمرانی اقتصادی دو حوزه مدیریت کلان و خرد اقتصادی را شامل می‌شود. حکمرانی اقتصادی مؤثر به دنبال ایجاد ساختارهای خوب، سیاست‌های مالی، پولی و تجاری هماهنگ و هم‌افزا و ایجاد نظام پایش و نظارت برای ارتقا و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های مختلف اقتصادی است (AusAID, 2008: p 5)؛ بنابراین، حکمرانی اقتصادی را می‌توان نظام برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های اقتصادی تعریف کرد و به همین جهت آن را باید پایه و اساس هر اتفاق مثبت و منفی در عرصه اقتصاد ملی در همه کشورها دانست. کارآمدی حکمرانی اقتصادی می‌تواند در تشخیص درست و به‌موقع مسائل، سرعت بالای رسیدن به اجماع در تصمیم‌گیری و نیز در اجرای دقیق‌تر سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی خلاصه شود (سیف، ۱۳۹۸).

۳-۳. عدالت

ابن‌منظور در تألیف خود در باب معنای عدل، می‌نویسد: «آنچه در نفوس انسانی مایه اعتدال و مرتبی و استقامت و انتظام می‌شود عدالت است و چنین انسانی مستقیم و راست و درست است و متضاد آن جور است» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ص ۸۳). همچنین، عدل به معنای حکم به حق نیز

آمده است. نویسنده فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، در شرح معنای لغوی عدل می نویسد: عدل یعنی معادل، متعادل، حد وسط، ضد جور، و شایسته گواهی دادن یعنی عادل، داددهنده، پیمانه، پاداش و غیره در حکمت عملی، عدل مقابل ظلم است و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند (سجادی، ۱۳۷۵: ص ۴۷). آنچه در این تعریف به مفهوم مورد نظر ما نزدیک تر است، عدل به معنای برابری و تساوی، دادگری و انصاف و مفاهیمی از این قبیل و نیز حکم به حق است که با معنای عدالت در نظام اجتماعی که مقصود از آن روابط حق مدارانه در سطح کلان در حوزه رفتارهای اجتماعی و رفتار حاکمان در جامعه است، سازگاری و مطابقت دارد. در تعریف مشهور، «عدل» به معنای «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ» است، یعنی حق هر صاحب حقی را به او دادن (شهیدی، ۱۳۷۹: ص ۴۴۰).

در باب معنای اصطلاحی «عدل» نیز می توان گفت که غالباً درباره «عدالت» دو تعریف مصطلح است؛ رعایت حقوق دیگران و رساندن هر حقی به صاحب حق که این تعبیر تصریحاً یا تلویحاً در روایات معصومین (علیه السلام) انعکاس دارد، مثلاً در روایتی از امام کاظم (علیه السلام) آمده است: «همانا خداوند هر نوع از اموال را تقسیم کرده و حق هر صاحب حقی را از خاصه و عامه (امام و سایر مردم) و فقرا و مساکین و اصناف دیگر مردم به آنان عطا کرده است. اگر در میان مردم عدالت برپا شود، همه مردم بی نیاز شوند» (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۱: ص ۵۴۲). از کلمات امیرالمومنین (علیه السلام) نیز این تعریف از عدالت قابل برداشت است: «هرگاه رعیت حق والی را ادا کند و والی حق رعیت را پردازد، حق در میان آنان عزت یابد، راههای دین خالی از انحراف می شود و نشانه های عدالت استوار می شود» (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶)؛ دومین معنای اصطلاحی عدل نیز نهادن هر چیزی در جایگاه مناسبش است. این اصطلاح برگرفته از کلام امام علی (علیه السلام) است که می فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۷). به عبارت دیگر، هر شیئی و هر فعلی بنا به حکم عقل یا حکم شرع و براساس مصالح کلی و شخصی در نظام هستی، جایگاه و حد خاصی را اقتضا دارد و عدالت منوط به رعایت آن جایگاه و حدود است.

بنابراین، تعریف عدالت به «اعطاء كل ذي حق حقه» داخل در این تعریف «وضع كل شيء موضعه» است. «حاصل آنکه برای عدل می توان دو مفهوم خاص و عام در نظر گرفت؛ یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری انجام کار حکیمانه و قراردادادن هر چیزی در جایگاه شایسته اش که رعایت حقوق دیگران هم از مصادیق آن است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ص ۱۹۳). البته این دو تعریف ناظر به مفهوم لغوی عدالت (استقامت، عدم انحراف و عدم تجاوز از حدود معین اشیا) است و اصطلاح خاص و مغایر با معنای لغوی نیست (احمدی، ۱۳۹۱: ص ۶۰).

شهید صدر درباره عدالت می‌فرمایند که عدالت واقعیتی نفس‌الامری و حقیقتی فی‌نفسه حق، خیر و نیک است. عدالت عبارت است از استقامت بر شریعت اسلام و طریقت آن که همان صراط مستقیم است^۱ (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۶: ص ۱۳۱). درباره دیدگاه شهید صدر در تعریف عدالت می‌توان گفت هرچند ایشان در تبیین محتوای عدالت و قانون‌های توزیع درآمد و ثروت در اسلام کوشش چشمگیری داشته‌اند، با این حال تعریف واضح و مشخصی از عدالت ارائه نکرده‌اند، به نحوی که این مسئله به‌عنوان یکی از انتقادات وارد شده به نظریه عدالت ایشان مطرح شده است. به‌طور خلاصه می‌توان ادعا کرد که محتوای نظریه عدالت اقتصادی اسلام از دیدگاه شهید صدر سه بعد مبدأ، فرایند و غایت را در عرض هم مورد توجه قرار داده است. اما در نهایت، معیارهایی که ایشان برای عدالت اقتصادی ارائه کرده‌اند مبتنی بر غایت و نتیجه‌محوری است (نک: حسینی، ۱۳۸۷: صص ۱۶-۱۵).

۳-۴. عدالت اقتصادی (جایگاه عدالت در اقتصاد)

عدالت اقتصادی، یکی از مسائل حیاتی جامعه بشری و در سطح مباحث نظری، از گذشته دور تاکنون مورد توجه ویژه اندیشه‌وران اقتصادی بوده است. کاهش فقر و فاصله طبقاتی و تحقق توازن نسبی در مناسبات اقتصادی و تساوی زمینه‌های کسب درآمد و برخورداری، از مهم‌ترین مؤلفه‌های عدالت اقتصادی ذکر شده است (آقانظری، ۱۳۸۳: ص ۶۵). درباره عدالت در ادبیات اقتصادی تعاریف نظری مختلفی وجود دارد. تعریف رایج در این زمینه عبارت است از رساندن سطح رفاه و زندگی عموم مردم به یک سطح ثابت و مشخص (سیف و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۲۰۹). در تعریفی دیگر، رعایت عدالت در بهره‌مندی افراد جامعه از امکانات اقتصادی و فرصت‌های برابر در برخورداری از بیت‌المال و یا منابع طبیعی را عدالت اقتصادی می‌گویند (قابل، ۱۳۹۰: ص ۸۴). مطابق دیدگاه شهید مطهری (رحمة‌الله‌علیه) نیز عدالت اقتصادی زیرمجموعه عدالت اجتماعی بوده و عدالت اجتماعی عبارت است از رعایت مساوات در جعل و اجرای قانون به طوری که قانون برای همه امکانات مساوی برای پیشرفت و استفاده و سیر مدارج ترقی قائل شود (مطهری، ۱۴۰۳: ص ۱۵۶).

از دیدگاه علم اقتصاد متعارف، جوامع در دو موضع می‌توانند به عدالت بیندیشند: نخست، هنگام تخصیص مواهب و امکاناتشان به نیازها و امیال خود؛ و دوم، هنگام توزیع پیامدها و نتایج

۱. ایشان در ادامه، موارد شرعی متعددی را بیان می‌کنند که عدالت شرط اساسی در آن‌ها به‌شمار می‌رود مانند مرجعیت، قضاوت، اقامه شهادت و غیره.

آن تخصیص بین اعضای جامعه. اینکه عوامل اولیه تولید برای تولید کالاها و خدمات مختلف به گونه‌ای عادلانه تخصیص یابد را «عدالت تخصیصی» نام نهاده‌اند؛ از سوی دیگر، زمانی که کالاها و خدمات در جامعه تولید می‌شوند، اینکه آن‌ها به گونه‌ای عادلانه میان اعضای جامعه توزیع شوند را «عدالت توزیعی» نام نهاده‌اند. به دیگر سخن، از نظر اقتصاددانان، برخورد منصفانه با عوامل تولید هنگام تولید کالا و خدمات عدالت تخصیصی و برخورد منصفانه با مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات نیز عدالت توزیعی نام گرفته است (رنانی و باستانی فر، ۱۳۸۶: صص ۲۹۰-۲۸۹). در تعالیم اسلامی نیز برای عدالت، مؤلفه‌ها و عناصری تعریف شده است و برای رسیدن به آن تنظیم امور جامعه و تخصیص مواهب و منابع و فرصت‌ها، با کشف مصادر حق از منابع دینی و با همکاری حکومت و مردم انجام می‌گیرد. تنها در صورت استفاده از تعالیم دینی احقاق این حقوق به صورت کامل و صحیح طراحی و اجرا خواهد شد (زریباف، ۱۳۹۷: صص ۸۲-۸۰).

۴. دلالت‌های اصل عدالت در حکمرانی اقتصادی

همان‌گونه که بیان شد، مسئله اصلی در عدالت اقتصادی، کیفیت توزیع درآمد، شغل، فرصت‌ها، آزادی‌های اقتصادی، فراغت، حقوق و امتیازها و به‌طور کلی، توزیع بهره‌مندی‌های اقتصادی میان افراد و گروه‌هاست (توسلی، ۱۳۷۵: ص ۵۳). یعنی مواهب و مزایای دولتی، اموال و سرمایه‌هایی که به عموم مردم تعلق دارد، مشاغل و شئون سیاسی و اجتماعی و در پی آن، درآمدهای ملی طبق چه اصل و معیاری بین اقشار مختلف مردم به نحو عادلانه توزیع می‌شود؟ (احمدی، ۱۳۹۱: ص ۵۳). در ادامه سعی شده است دلالت‌های اصل عدالت یا به عبارتی، مؤلفه‌های عدالت توزیعی (به‌عنوان راهکارهای عملی) در بخش‌های مختلف از دیدگاه حکمرانی اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد و تبیین شود.

۱-۴. توزیع فرصت‌های اقتصادی (فرصت‌های استخدامی شغلی و مجوزهای کسب‌وکار)

طبق نظر شهید صدر، کار به‌عنوان پایه‌ای برای مالکیت، نخستین ابزار اصلی در نظام توزیع است (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱: ص ۴۰۴)؛ از این رو، ضروری است تا فرصت‌های کسب‌وکار برای همه افراد در جامعه اسلامی به صورت عادلانه فراهم شود تا فرصت بهره‌برداری هر یک به میزان توانایی و ظرفیت‌های آن‌ها وجود داشته باشد. برقراری عدالت توزیعی در توزیع فرصت‌های اقتصادی را می‌توان در سطوح مختلفی مطرح کرد اما مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. برقراری عدالت در توزیع مجوزهای کسب‌وکار؛ طبیعتاً هر شخصی برای هر فعالیت اقتصادی و ایجاد یک کسب‌وکار،

اعم از تولید یک کالا یا ارائه خدمات و یا استحصال یک منبع و غیره، نیاز به اخذ مجوز از دولت دارد. بر این اساس، سرعت، شفافیت و مساوات در شرایط دریافت مجوز ایجاد یک فعالیت اقتصادی وظیفه دولت است. ۲. توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی دولتی (مناصب و پست‌های حکومتی) باید از طریق برگزاری آزمون‌های استخدامی شفاف و منطقی (به‌طور فراگیر) متناسب با توانمندی‌های لازم برای تصدی پست‌ها و نیز ارائه رویه‌های صحیح برای ارتقای شغلی کارمندان دولت صورت گیرد. در واقع، هر یک از مردم که بتواند در یکی از بخش‌های عمومی و خصوصی کاری انجام دهد، دولت وظیفه دارد زمینه کار را در حدود صلاحیت خود برای وی فراهم کند (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲: ص ۳۹۲).

توضیح آنکه اقتصاد اسلامی زمینه فعالیت سالم اقتصادی را در چهارچوب عدالت اجتماعی و آزادی اقتصادی مشروع فراهم می‌کند تا بستر مناسبی برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی به‌وجود آید. حکومت در عرصه تقنین و اجرا موظف است که اولاً، زمینه‌های مساعد را جهت اشتغال نیروهای انسانی بر مبنای استحقاق آنان فراهم آورد؛ ثانیاً، با حفظ حریم و احترام تمام اصناف و گروه‌های فعال اقتصادی، چه در عرصه تولید و چه در عرصه خدمت‌رسانی، با توسل به قواعد معتبر اقتصادی و اتخاذ راهکارهای صحیح اصلاح شئون اداری، تنظیم بازار و غیره، به توزیع عادلانه درآمدها توجه کند (احمدی، ۱۳۹۱: ص ۷۱). در واقع، مطابق عدالت اقتصادی، حکومت اسلامی موظف است با مانع‌شدن از تمرکز اموال و عدم توزیع آن، تعادل اجتماعی را حفظ کند (صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۷۲)؛ از این رو، تلاش در جهت تهیه امکانات کار و فرصت تولید برای همه مردم به عهده دولت است (صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۱۳۲).

دولت، همان‌طور که وسیله‌ای برای ارائه خدمت به مردم و رساندن حق به صاحبان آن است، مسئول تحقق پیشرفت و اشتغال در جامعه نیز شمرده می‌شود و این کار را با فراهم کردن فرصت‌های کار و تأمین معیشت افراد از طریق تأسیس مؤسسات عمومی و راه‌اندازی پروژه‌های صنعتی و کشاورزی انجام می‌دهد. پروژه‌هایی که به افزایش ثروت عمومی کمک می‌کند و افراد جامعه را در سود آن‌ها شرکت می‌دهد؛ بنابراین، دولت اسلامی موظف است با آسان کردن راه‌های سرمایه‌گذاری، اعطای کمک‌های مالی و تسهیلات اعتباری، کشاورزان، صنعتگران و بازرگانان را تشویق کند تا زمین‌ها، کشت و صنایع راه‌اندازی شوند و بازارها رونق یابند (العسل، ۱۳۷۸: ص ۱۸۴).

البته باید توجه داشت که در چهارچوب نظام عادلانه تولیدی، سرمایه نباید نیروی کار و سایر عوامل تولید را در استخدام و استثمار خود قرار دهد، بلکه در کنار سایر عوامل تولید و با فرض شرایط ریسک‌پذیری، حق برابری دریافت و در تولید نقش آفرینی می‌کند (زریباف، ۱۳۹۷: ص

۸۵). شهید صدر در این باره می‌فرماید مطابق عدالت اقتصادی، حکومت اسلامی باید تلاش کند بین درآمد و کار تناسب ایجاد کند و به میزانی که نقش خطرپذیری سرمایه در طرح‌های تولیدی و بازرگانی ضعیف می‌شود، شایسته است از کسب درآمد مبتنی بر سرمایه‌داری صرف بیرون بیاید و در مقابل، روی کسب درآمد مبتنی بر کار، پافشاری کند (صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۷۲).

۲-۴. توزیع فرصت‌های آموزشی و تحصیلی

از آنجا که دانش و یادگیری یکی از مهم‌ترین مقدمات بهره‌مندی افراد از امکانات و مزایای اقتصادی جامعه است، لازم است عدالت آموزشی نیز ذیل عدالت اقتصادی مطرح شود.^۱ براساس قانون عدالت اجتماعی در اسلام برخورداری از آموزش حداقلی حق همه افراد جامعه است و حاکم اسلامی موظف است فرصت‌های برابر برای رشد و پیشرفت افراد مختلف فراهم کند (ر.ک.: مطهری، ۱۴۰۳ و واعظی، ۱۳۹۳) تا افراد بتوانند متناسب با میزان تلاش و استعدادهای خود به برخورداری و جایگاه‌های مختلف جامعه دست پیدا کنند.^۲ شهید صدر در این زمینه می‌فرماید حکومت موظف است با درآمدهای بخش‌های عمومی، هزینه آموزشی مردم را در تمامی مراحل آن و همچنین، خدمات درمانی را با اشکال مختلف آن به‌طور رایگان پرداخت کند؛ به‌گونه‌ای که هر یک از شهروندان بتواند از امکانات آموزشی و پزشکی بدون پرداخت وجهی و بر طبق نظامی که دولت آن را معین می‌کند، استفاده کند (صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۷۳).

در عرصه آموزش، قاعده عدالت بر لزوم ایجاد امکان مساوی برای تعلیم حداقلی برای همه اشخاص دلالت می‌کند و نیز لازم است فرصت‌های برابر جهت برخورداری از امکانات آموزش و دستیابی به آموزش‌های عالی و تخصصی برای همگان فراهم شود (ر.ک.: علم‌الهدی، ۱۳۹۱: ص ۵۰۴). این مهم در قانون اساسی کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است. طبق اصل سی ام، باید آموزش‌های عمومی ضروری برای همه اقشار مساوی و رایگان ارائه شود و زمینه و بستر ورود به آموزش‌های تخصصی (عالی و غیره) در دانشگاه‌ها و مراکز تخصصی دولتی برای همه اقشار دارای شرایط مساوی باشد.^۳

۱. البته همه عرصه‌های اجتماعی به هم مرتبط است و رعایت عدالت در هر یک می‌تواند متأثر از دیگر عرصه‌ها باشد، اما به جهت اهمیت و اثرگذاری عدالت آموزشی در عدالت اقتصادی در اینجا به این مقوله پرداخته شده است.
 ۲. علامه طباطبایی در جلد ۴ تفسیر المیزان می‌فرماید: «عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه رفتاری صورت گیرد که مستحق آن است و در جایگاهی قرار گیرد که سزاوار است» (۱۳۷۲: ص ۲۴۵).
 ۳. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «امکان تحصیل علم باید برای همه فراهم باشد و ... آن‌گونه امکانات به‌طور مساوی برای همه فراهم گردد که مثلاً برای فرزند فلان دهقان که در فلان گوشه کشور است و استعداد علمی و اجتماعی

۳-۴. توزیع انفال و منابع طبیعی

از بررسی احادیث اسلامی به خوبی معلوم می‌شود که تشریح مالکیت حکومت در جامعه اسلامی، به هدف خدمت به توازن اجتماعی صورت گرفته است و چنین مالکیتی به این دلیل تشریح شده است که هرچه در قلمرو آن قرار می‌گیرد در راستای تحقق این توازن مورد استفاده واقع شود. اسلام اصطلاح ویژه‌ای برای مالکیت حکومت و ثروت‌های در ضمن آن وضع کرده است که در عرف اسلامی از آن به «انفال» تعبیر می‌شود که عبارت است از هر آنچه حکومت در جامعه اسلامی به تملک درمی‌آورد (صدر، ۱۳۹۴: ص ۱۷۷). در اسلام کلیه ثروت‌ها و منابع طبیعی از قبیل دریاها، جنگل‌ها، معادن، کوه‌ها، اراضی موات انفال است و در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد. حکومت اسلامی نیز برای اینکه نقشه اقتصادی صحیحی که مورد توجه اسلام است تنظیم شود، چرخ اقتصاد جامعه بر محور اعتدال بچرخد و تولید و توزیع براساس عدالت اقتصادی صورت گیرد، وظیفه دارد تا این منابع را به نحوی مدیریت و توزیع کند که زمینه و امکان بهره‌مندی تمام افراد را فراهم کند و در مسیر تأمین عدالت در جامعه باشد (ر.ک.: نوری، ۱۳۶۹: صص ۳۳۸-۳۴۰). شاید اساس نظری که اندیشه تأمین اجتماعی شهید صدر بر آن تکیه دارد، باور اسلام به حق همه مردم در منابع ثروت طبیعی باشد؛ زیرا این منابع طبیعی برای همه مردم آفریده شده‌اند و نه برای گروهی خاص: «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (بقره: ۲۹) یعنی هرچه را در زمین است برای همه شما آفرید. این حق بدین معناست که هر یک از افراد جامعه دارای حقی در بهره‌وری از منابع و ثروت‌های طبیعی و برخورداری کریمانه از آن‌هاست. اما اگر زمینه کار برای کسی فراهم نشده یا امکان انجام آن را ندارد، دولت موظف است حق وی در استفاده از ثروت‌های طبیعی را با فراهم کردن سطح کافی زندگی کریمانه تضمین کند؛ بنابراین، مسئولیت مستقیم دولت در تأمین اجتماعی، براساس حق عمومی مردم در استفاده از ثروت‌های طبیعی و ثبوت این حق برای افراد ناتوان از کار استوار است (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲: ص ۳۹۲).

در واقع مطابق اقتصاد اسلامی، تمامی منابع ثروت طبیعی از آن خداوند متعال است و به دست آوردن حق ویژه در استفاده از این منابع تنها براساس کار و کوشش صورت می‌پذیرد (صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۷۲). اقتضای اصل عدالت هم این است که در هیچ وضعی نباید اجازه داد این ثروت‌ها و منابع طبیعی فقط در دست افراد یا گروه‌های خاصی قرار گیرد. بر این اساس، تصمیم‌گیری کلی و مدیریت کلان ثروت‌ها و منابع طبیعی در اختیار دولت است؛ البته پذیرش این

نهفته‌ای در وجودش هست، وسایل آماده باشد که تدریجاً بتواند مقامات را طی کند تا به مقام تخصص در یک رشته علمی برسد و اگر استعداد اجتماعی اش خوب است، مثلاً به مقام وزارت برسد» (مطهری، ۱۳۸۷: ص ۲۵۵).

اصل به ضرورت به معنای انحصار تصدی دولت نیست، اما در هر حال باید مصالح عموم مردم و جامعه اسلامی مورد توجه باشد و دولت براساس اصل عدالت تصمیم گیرد (موسویان، ۱۳۸۲: ص ۶۹).

نظریه شهید صدر در این زمینه در دو جنبه مطرح شده است به نحوی که این دو جنبه به موازات هم پیش می‌روند و یکدیگر را کامل می‌کنند. طبق جنبه ایجابی نظریه، کار اساسی مشروع دستیابی به حقوق و مالکیت‌های خصوصی در ثروت‌های طبیعی است. خلاصه جنبه سلبی نظریه شهید صدر نیز رد هرگونه مالکیت و حق اختصاصی ابتدایی در منابع خام طبیعی بدون کار و فعالیت است. طبق نظر ایشان، به‌طور کلی، هیچ فردی به شکل ابتدایی حقی اختصاصی در منابع طبیعی که او را در سطح قانون‌گذاری از دیگران متمایز کند ندارد، مگر آنکه این حق اثر کار خاصی باشد که آن فرد در منابع طبیعی انجام داده است و باعث شده است او را در واقعیت زندگی، بر دیگران برتری دهد؛ بنابراین، رد هرگونه حق ابتدایی در ثروت‌های طبیعی بدون انجام کار، جنبه سلبی نظریه و اعتقاد به حق اختصاصی در این منابع براساس کار، جنبه ایجابی این نظریه است (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲: صص ۳۰۴-۲۹۹).

در مجموع افراد می‌توانند در بخش منابع طبیعی با رعایت حدود قانونی در نظام اسلامی، نسبت به تملک در موارد معین اقدام کنند و اصل این فرصت برای همگان یکسان است، ولی نحوه عملکرد افراد و دارایی‌های کسب‌شده الزاماً یکسان نخواهد بود، بلکه براساس قول مشهور، افراد می‌توانند براساس استعداد و توانایی‌های خود ثروت زیادی را برای خود به‌دست آورند و برای اصل مساوات صرفاً در فرصت اولیه برای اقدام می‌توان جایگاهی را قائل شد (عاملی، ۱۳۹۲: ص ۷۳).

۴-۴. توزیع درآمد و ثروت (خمس زکات مالیات و کمک به محرومان)

یکی از جوانب مهم عدالت اقتصادی آن است که هر کس به همان اندازه که تلاش کرده و ارزش افزوده ایجاد کرده است از تولید و درآمد به‌دست‌آمده سهم ببرد؛ به عبارت دیگر، ارزش افزوده حاصل شده فقط به کسانی تعلق دارد که آن را ایجاد کرده‌اند و هیچ کس نمی‌تواند به سهم و نصیب دیگران چنگ زند و آن را تصرف کند. چنین تصرفی «اکل مال به باطل» تلقی می‌شود و حرام است.^۱ اما از سوی دیگر، آیه «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷) ظهور دارد که توازن

۱. البته باید توجه داشت که توازن درآمد از نظر اسلام، مشابه اقتصاد سوسیالیسم نیست که همه افراد جامعه را به کارگران و کارمندان دولت تبدیل و آزادی اقتصادی را از آنان سلب کند و در نتیجه، عموم افراد جامعه را به طبقه فقیر و کارگر مبدل کند. به‌طور کلی، نه می‌توان عدالت را در جهت توسعه و رشد ناپایدار و غیرمتوازن قربانی کرد و نه

و توزیع سرمایه (به شکلی که تمامی نیازهای مشروع جامعه را بپوشاند و منجر به عدم تمرکز آن در دست شماری محدود از افراد جامعه شود)، یکی از اهداف قانون‌گذاری اسلامی است. این هدف در مورد مؤلفه‌های متغیر اقتصاد، شاخصه و اصل ثابت به‌شمار می‌رود. بر این اساس، ولی‌امر قوانینی را که موجب حفظ تعادل اجتماعی در زمینه توزیع ثروت می‌شود وضع می‌کند و به این وسیله مانع تمرکز آن بین افرادی محدود می‌شود و دولت اسلامی با تمرکز سرمایه‌داری در تولید و انحصار، با اشکال مختلف آن مبارزه می‌کند (صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۵۲).

به‌عبارت دیگر، ممکن است گروهی از شهروندان به سبب ناتوانی‌های جسمی یا ذهنی قادر به فعالیت و کار نباشند و در امر معاش خود با مشکلاتی مواجه شوند؛ یا دسته دیگری از افراد، هرچند در عرصه فعالیت‌های اقتصادی مشارکت دارند، درآمدشان در تأمین تمام نیازمندی‌های معیشتی کفایت نکند؛ در این مواقع حکومت اسلامی باید طبق اصول توزیع اسلامی، برای حل مشکلات معیشتی این قشر از جامعه، با در نظر گرفتن عنصر «نیاز»، وارد شود و آنان را در مرحله دیگری از توزیع که اندیشمندان آن را توزیع مجدد ثروت و درآمد نامیده‌اند، سهیم کند (عیوضلو، ۱۳۸۴: ص ۲۱۸). در واقع بینش اقتصادی اسلام مالکیت حقیقی بر همه اشیاء از جمله بر انسان و اموال او را از آن خداوند می‌داند و تمامی ثروت‌ها را امانتی از سوی حق تعالی در دست بشر به حساب آورده است: «الْمَالُ مَالُ اللَّهِ يُضَعُّهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعٌ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ص ۳۰۵). بنابراین، با قراردادن واجبات مالی مانند خمس و زکات، هم به رشد معنوی و نیازهای روحی افراد ثروتمند توجه داشته و هم به نیازهای مادی افراد محروم اهتمام ورزیده است. از این رو، مسلمانانی که تمکن مالی دارند، نسبت به تأمین نیازهای ضروری حاجتمندان مسئول هستند و وظیفه دارند که با قصد قربت، فریضه‌های مالی را انجام دهند و حتی در صورت امتناع آنان، حاکم و دولت اسلامی می‌تواند این افراد را بر انجام آن وادار کند.

از سوی دیگر، حکومت و مدیران جامعه نیز موظف هستند با در اختیار داشتن اموالی مانند مالیات‌های دولتی، ثروت‌های حاصل از انفال و وقف در بهبود وضعیت زندگی این قشر از جامعه اسلامی ایفای نقش کنند؛ در واقع، بر اساس دیدگاه اقتصاد اسلامی، باید با فقر مبارزه شود و شأن حکومت اسلامی ایجاب می‌کند که در مسیر اراده تکوینی خداوند عمل کند تا همه به روزی و نصیب خود برسند و در جامعه فقیری وجود نداشته باشد. شهید صدر در این زمینه معتقدند که پرداخت زکات تنها برای رفع نیازهای ضروری فقیر نیست، بلکه برای آن است که با پرداخت

می‌توان توسعه و رشد را به‌صورت تأمین عدالت و توزیع منصفانه فقر عمومی نادیده انگاشت؛ بلکه اعتدال و توازن ایجاب می‌کند سیاست‌های اقتصادی عدالت اجتماعی اقتصادی را هماهنگ با توسعه پایدار بجوید.

زکات، فرد فقیر به لحاظ معیشتی در سطح دیگران قرار گیرد. یعنی باید وضع معیشتی فقیر به حدی برسد که با سطحی که عموم مردم جامعه از آن برخوردارند، برابر باشد^۱ و این بدان معنی است که فراهم آوردن سطحی یکسان از زندگی و یا نزدیک به یکدیگر برای عموم افراد جامعه، هدفی اسلامی است که ولی امر باید در تحقق آن بکوشد (صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۶۵).

از این روست که بسیاری از فقیهان جمع آوری و توزیع زکات را وظیفه دولت اسلامی می دانند (قرضاوی، ۱۴۱۰ ق: ص ۷۴۷). بنابراین، دولت های اسلامی باید با طراحی نظامی کارآمد، جذب و توزیع زکات، زکات فطره، خمس و غیره را عهده دار شوند و بخشی از هزینه های تأمین اجتماعی را از این طریق پوشش دهند (موسویان، ۱۳۸۲: ص ۷۱). در روایتی از امام کاظم (علیه السلام) آمده است: بر ولی امر مسلمین لازم است در صورت کافی نبودن زکات، فقرا را از نزد خود به اندازه گنجایش آن ها تا سر حد بی نیازی وسعت بخشد؛ تهیه حداقل بی نیازی در سطح معیشت برای همه افراد جامعه اسلامی وظیفه حکومت اسلامی است (صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۷۱).

بنابراین، اسلام افزون بر وضع اصل توازن اجتماعی و تعیین مفهوم آن، امکانات لازم را نیز برای حکومت فراهم آورده است تا بتواند در حدود آن امکانات به توزیع درآمد پردازد که عبارت اند از: ۱. وضع مالیات های ثابتی که به صورت مستمر دریافت می شود و برای حفظ توازن عمومی هزینه می شود. این مالیات ها شامل زکات و خمس هستند که فقط به منظور برآوردن نیازهای اساسی فقرا تشریح نشده اند، بلکه افزون بر آن، برای درمان بنیادین فقر و رساندن سطح زندگی فقیران به سطح معیشت توانگران تشریح شده اند تا بدین وسیله توازن اجتماعی به معنای اسلامی آن تحقق یابد. ۲. ایجاد بخش های عمومی برای مالکیت حکومت و سمت و سود دادن به دولت جهت بهره برداری از آن بخش ها در راستای اهداف توازن. توضیح اینکه اسلام تنها به مالیات های ثابتی که برای ایجاد توازن تشریح کرده، اکتفا نکرده است، بلکه حکومت را مسئول هزینه کردن از بخش عمومی برای تأمین این هدف کرده است (نک: صدر ۱۳۹۴: صص ۱۷۷-۱۷۳).

۵-۴. توزیع مواهب عمومی و امکانات دولتی

یکی از جوانب مهم عدالت اقتصادی، حق برابر همه مردم در برخورداری از منابع و ثروت های عمومی و مشترک است. این مهم در آرای متفکران بزرگ اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. فارابی یکی از وجوه عدالت را توزیع کالاهای عمومی و مشترک میان همه مردم می داند: «قسم

۱. از این حد در روایات اسلامی، با عبارات «... حتی تغنیه» و «... حتی یلحقهم بالناس» تعبیر شده است (زریباف، ۱۳۹۷: ص ۱۱۱).

الخیرات المشتركة التي لاهل المدينة على جميعهم» (نک: فارابی، ۱۳۶۱). شهید مطهری نیز از این جهت عدالت را به معنای ایجاد امکانات مساوی برای همه ذکر کرده‌اند (نک: مطهری، ۱۴۰۳) و مرحوم علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) در تفسیر المیزان، بعد از بحث تفسیری خود به این نتیجه رسیده است که «همه ثروت‌ها برای مردم است» و اضافه کرده است که «از جمله این موارد تقسیم بیت‌المال به طور برابر برای همه افراد بدون در نظر گرفتن هیچ گونه امتیاز می‌باشد»^۱ (زریباف، ۱۳۹۷: ص ۱۱۱)؛ یعنی آنچه در نظام اقتصادی اسلام در پوشش مالکیت عمومی^۲ مسلمانان قرار می‌گیرد و باید به مصارف جمعی و عمومی برسد (نک: صدر، ۱۳۹۳، ج ۱: ص ۳۳۹). در واقع باید حداقل آسایش و رفاه برای هر یک از افراد جامعه فراهم شود که این کار در وهله اول از طریق توزیع متناسب مواهب عمومی و امکانات دولتی و در وهله دوم با ارتقای سطح معیشت کسانی که وضعیت زندگی‌شان از سطح متوسط جامعه پایین‌تر است صورت می‌گیرد (نک: صدر، ۱۳۹۳ الف: ص ۱۳۲).

این ثروت‌ها و مزایا به دلیل آنکه به مالکیت خصوصی فردی در نمی‌آیند، در اختیار حکومت اسلامی قرار دارند و بر عهده حکومت است که آن را بین اعضای اجتماع توزیع کند. رعایت عدالت در توزیع این‌گونه از امکانات و مزایا اهمیت زیادی در اجرای عدالت اجتماعی دارد؛ چون این ثروت‌ها عوامل و ابزارهای اولیه مؤثر در عرصه فعالیت‌های تولیدی و خدماتی به‌شمار می‌آیند و در احراز مشاغل توسط افراد در سطوح مختلف دولتی و آزاد، پست‌ها و منصب‌های سیاسی و اجتماعی اثرگذار هستند (احمدی، ۱۳۹۱: صص ۶۵-۶۴)؛ از این رو، حصول عدالت در توزیع مواهب عمومی و امکانات دولتی متأثر از عدالت توزیعی در این مرحله است. در واقع، براساس دیدگاه اقتصاد اسلامی، ثروت عمومی که به همه تعلق دارد نباید در میان ثروتمندان جامعه تداول

۱. برخی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این قاعده دلالت دارند و یا آثار اجرای آن را نشان می‌دهند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
اصل ۳۰: آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه.
اصل ۲۹: تأمین اجتماعی به‌عنوان حق همگانی.

اصل ۳۱: ... داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است.

اصل ۴۳: ... ۱. تأمین نیازهای اساسی، مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛ ۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند.

۲. زمین‌های آبادی را لشکریان اسلام در هنگام جهاد با کفار به وسیله قهر و غلبه (نه صلح) از آنان گرفته و جزء قلمرو زمین‌های اسلامی کرده‌اند، در صورتی که آن جنگ با اذن ولی امر مسلمانان صورت گرفته باشد، همه مسلمانان، نسل بعد از نسل، به‌عنوان مالکیت عمومی مالک هستند.

یابد: «کَي لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (زریباف، ۱۳۹۷: ص ۱۱۱).

درواقع شهید صدر در تبیین پدید آوردن عدالت در بخش عمومی به نصوصی اشاره می‌کنند که دولت را موظف به رفع فقر از دیگر منابع می‌کنند و در این جهت با استناد به آیه فیء و داخل کردن آن در مفهوم انفال نتیجه می‌گیرند که فیء و انفال هم برای مصالح عمومی و هم به منظور توازن و تضمین جریان و گردش سرمایه به کار می‌رود (حسینی، ۱۳۸۷: ص ۱۸).

۴-۶. توزیع اطلاعات بازار (شفافیت^۱ و نبود رانت اطلاعاتی)

دستیابی زودهنگام و انحصاری به اطلاعات اقتصادی درباره سیاست‌های بازرگانی پولی، ارزی، بازار سهام، امور مالی و طرح‌های عمرانی منشأ یکی از مهم‌ترین انواع رانت است که بی‌عدالتی‌های گسترده‌ای را به دنبال داشته است. گروهی با تحصیل اطلاعات زودرس در زمینه تغییرات آینده نزدیک درباره قوانین و مقررات، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدید، طرح‌های بزرگ عمرانی، اصلاحات در محدوده‌ها و نقشه‌های جامعه شهری و امور مربوط به چگونگی عملکرد شرکت‌ها، زمینه دستیابی به اطلاعات پنهان، سبب شکل‌گیری رقابت ناسالم در بازار سرمایه می‌شوند و در نتیجه، این نوع اقدام‌های رانت‌گونه صاحبان سرمایه را به فعالیت‌های اقتصادی غیر مولد مانند خرید و فروش تلفن همراه، اتومبیل، ارز، سکه و املاک سوق می‌دهد و بدین ترتیب، حجم فراوانی از سرمایه‌های جامعه از چرخه رشد و توسعه خارج می‌شود.

درواقع رعایت عدالت در توزیع اطلاعات، یگانه راه جلوگیری از رانت‌های اقتصادی سرچشمه‌گرفته از اطلاعات زودهنگام است؛ برای مثال، افرادی که به هر دلیل زودتر از دیگران به اطلاعات ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار دست می‌یابند، با اتخاذ سیاست‌های مناسب و نامطلوب نشان‌دادن وضعیت مالی شرکت، باعث تنزل قیمت سهام آن می‌شوند و پس از خرید سهام ارزان به تبلیغ در مورد وضع بسیار مطلوب آن شرکت می‌پردازند، با افزایش یافتن قیمت سهام، سهام خریداری‌شده را به قیمت بالاتر می‌فروشند و منافع سرشاری از طریق رانت اطلاعاتی به دست می‌آورند. به طور کلی، رانت یا درآمدهای بادآورده از مشکلات اساسی است و بدون ریشه‌کن کردن آن، مبارزه اصولی با مفاسد مالی و اقتصادی و برقراری عدالت

۱. در ادبیات اقتصادی، شفافیت به مفهوم جریان به موقع و قابل اتکای اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و در دسترس بودن آن برای همه ذی‌نفعان بازار تعریف شده است. همچنین، نبود شفافیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: ممانعت عمدی از دسترسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از کفایت مربوط بودن و کیفیت اطلاعات ارائه‌شده.

اقتصادی و توزیع عادلانه فرصت‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود (آقانظری، ۱۳۸۳: ص ۷۹). این درحالی است که همه مردم باید برای دستیابی به اطلاعات اقتصادی سهمی برابر داشته باشند تا برخی از افراد نتوانند با استفاده از رابطه‌ها و زیر پا گذاشتن ضابطه‌ها، به داده‌هایی دست یابند که براساس آن بتوانند سود سرشار ببرند (احمدی، ۱۳۹۱: ص ۶۹).

بر این اساس، با تأمل در ابواب روایی و فقهی، می‌توان گفت شفافیت از جمله ویژگی‌های بازار اسلامی است. از نشانه‌های شفافیت در بازار اسلامی که در آیات، روایات و متون فقهی مورد توجه قرار گرفته است می‌توان به مواردی اشاره کرد که عبارت‌اند از: کراهت تلقی رکبان؛ منع از خرید و فروش بین شهری و روستایی (و استفاده از رانت اطلاعاتی)؛ تأکید بر تدوین قرارداد و گرفتن شاهد در ثبت آن؛ مباشرت در انجام معاملات مهم؛ کراهت معامله با کودکان؛ لزوم معلوم بودن وزن، پیمان یا تعداد (برحسب نوع کالا)؛ ضرورت معامله در هر شهر با واحدهای اندازه‌گیری همان شهر؛ منع از خرید و فروش‌های تصادفی به صورت «منابذه»، «ملاسه»، و «حصاه» در فقه اسلامی و منع از پوشاندن عیب کالا^۱ (رجایی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۰).

در مجموع، حکومت به‌عنوان تنظیم‌کننده بازار و نیز منبع اصلی اطلاعات مهم اقتصادی و سیاسی موظف است براساس قاعده عدالت، به شفاف‌سازی فضای اقتصادی کشور بپردازد و اطلاعات را به‌طور شفاف در اختیار همگان قرار دهد. در شفاف‌سازی نظام اطلاعاتی، اعلان فرصت‌ها به‌طور عمومی انجام خواهد شد و افراد نسبت به توانمندی و استعداد‌های خود از این فرصت‌ها استفاده خواهند کرد. به تعبیری، در این شفاف‌سازی قیدی برای اعلان اطلاعات اقتصادی جامعه غیر از مصالح ملی وجود ندارد و اصل مساوات را در اعلان این حیطه می‌توان برقرار دانست.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رشد طبیعی جامعه اسلامی در بستر چهارچوب سالم اقتصادی آن اجازه نمی‌دهد که پدیده

۱. از جمله موارد دیگر می‌توان به این عناوین اشاره کرد: صداقت، اعتماد، تراضی، آشنایی با محیط، کتابت و تدوین قرارداد، شهود قرارداد، آشکارسازی کالا و منع احتکار وجود دارد. در مورد نوع و موضوع قرارداد نیز مجموعه‌ای از مباحث وجود دارد که ثمره آن‌ها معلوم بودن عنوان قرارداد، معلوم بودن نوع و مقدار کالا، معلوم بودن قیمت، دقیق بودن ابزار سنجش، و مشخص بودن زمان قبض و اقباض است. پس، نظریه بازار اسلامی بر آشکار بودن مباحث مربوط به مبادله و ابهام‌زدایی از مسائلی که به‌نحوی منافع طرفین معامله در آن‌هاست، تأکید می‌کند که این امر منجر به شفافیت می‌شود. همچنین، در مورد طرفین قرارداد، افزون بر لزوم شرایط عامه (بلوغ و عقل) در طرفین، مالکیت و محترم بودن طرفین و آشنایی آنان با احکام (قوانین و مقررات) نیز خواسته شده است. لزوم قبض و اقباض کامل برای تحقق قرارداد و در اختیار گرفتن فرصت برای ارزیابی معامله پس از قبض و اقباض و وجود انواع اختیارات از جمله خیار عیب برای آشکار شدن عیوب پنهانی و ایجاد فرصت برای جبران آن، همه شفافیت بازار اسلامی را می‌رساند.

انباشته‌شدن سرمایه در نزد عده‌ای محدود و متمرکز شدن آن شکل بگیرد؛ چنان‌که در جوامع سرمایه‌داری، چنین پدیده‌ای موجب پیدایش انحصار در زندگی اقتصادی شد. به همین دلیل اجرای صحیح قواعد و اصول اقتصاد اسلامی توسط حکومت اسلامی بهترین راه حفظ تعادل اجتماعی به‌شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین قواعد در حکمرانی اقتصادی، اصل عدالت است که با تأکید بر عدالت توزیعی مورد بررسی قرار گرفت. به عبارت دیگر، می‌توان گفت حکمرانی اقتصادی صحیح با رعایت مؤلفه‌های عدالت تعیین می‌شود. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که دولت در حکمرانی اقتصادی خود در توزیع موارد زیر باید عدالت را رعایت کند:

۱. توزیع فرصت‌های (کسب و کار) اقتصادی؛
۲. توزیع فرصت‌های آموزشی و تحصیلی؛
۳. توزیع انفال و منابع طبیعی؛
۴. توزیع درآمد و ثروت؛
۵. توزیع مواهب عمومی و امکانات دولتی؛
۶. توزیع اطلاعات بازار.



نمودار ۲. دلالت‌های اصل عدالت (توزیعی) در حکمرانی اقتصادی

برقراری عدالت توزیعی با تأکید بر موارد ذکر شده می‌تواند زمینه را برای بهره‌مندی صحیح و متناسب آحاد جامعه اسلامی و ایجاد توازن و عدالت اجتماعی فراهم کند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن منظور. ۱۴۱۴. لسان العرب. بیروت: دارالفکر. چاپ سوم.
۴. احمدی، سید جواد. ۱۳۹۱. «معیار عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری با تأکید بر اخلاق حکومتی امام علی (علیه السلام)». پژوهش نامه اخلاق. سال پنجم. زمستان. شماره ۱۸. صص ۷۶-۵۳.
۵. توسلی، حسین. ۱۳۷۵. مبانی نظری عدالت اجتماعی. تهران: مدیریت بهره‌وری بنیاد مستضعفان و جانبازان.
۶. حسینی، سید رضا. ۱۳۸۷. «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام (بررسی انتقادی نظریه شهید صدر)». اقتصاد اسلامی. سال هشتم. زمستان. شماره ۳۲. صص ۳۲-۷.
۷. رجایی، سید محمدکاظم. ۱۳۸۹. «ویژگی‌های بازار اسلامی در نظریه و عمل». معرفت اقتصادی. سال دوم. پاییز و زمستان. شماره ۳. صص ۱۱۸-۹۳.
۸. رنانی، محسن؛ باستانی فر، ایمان. ۱۳۸۶. «کاتالاکسی و عدالت: بررسی پیامدهای توزیعی مداخله در کاتالاکسی (مطالعه موردی شهر اصفهان)». پژوهش نامه اقتصادی. سال هفتم. زمستان. شماره ۲۷. صص ۳۳۱-۲۸۵.
۹. زرقا، محمدانوس. ۱۳۷۹. «عدالت توزیعی در اسلام». ترجمه سید اسحاق علوی. نامه مفید. سال ششم. پاییز. شماره ۲۳. صص ۱۳۲-۱۰۹.
۱۰. زریباف، سید مهدی. ۱۳۹۷. «مؤلفه‌های نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». تهران: رساله دکتری علوم اقتصادی (گرایش اقتصاد اسلامی). دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۱. سجادی، سید جعفر. ۱۳۷۵. فرهنگ علوم فلسفی و کلامی. تهران: امیرکبیر.
۱۲. سیف، اله‌مراد. ۱۳۹۸. «ناکارآمدی حکمرانی اقتصادی ریشه مسائل جاری». تاریخ دریافت مطلب: ۱۳۹۹/۹/۲۰. قابل دسترسی در آدرس https://amseif.ir/?p=7753#_ftn4.
۱۳. سیف، اله‌مراد؛ شیخ، علیرضا؛ بهدادفر، محمدرسول. ۱۳۹۸. «الگوی عدالت اقتصادی در چهارچوب اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات دفاعی استراتژیک. سال هفدهم. زمستان. شماره ۷۸. صص ۲۲۸-۲۰۳.
۱۴. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ پورجوان، عبدالله. ۱۳۹۱. «رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای برگزیده». علوم اجتماعی (فردوسی مشهد). سال نهم. پاییز و

- زمستان. شماره ۲. صص ۵۳-۷۵.
۱۵. شهیدی، سید جعفر. ۱۳۷۹. نهج البلاغه. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. چاپ هفدهم.
۱۶. صدر، محمدباقر. ۱۴۳۴ق. التفاوی الواضحه وفقا لمذهب اهل البيت (موسوعه الامام الشهيد السيد محمدباقر الصدر). جلد ۱۶. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۱۷. _____ الف. ۱۳۹۳. اسلام، راهبر زندگی. قم: انتشارات دارالصدر.
۱۸. _____ ب. ۱۳۹۳. اقتصادنا. قم: انتشارات دارالصدر.
۱۹. _____ ۱۳۹۴. بارقه‌ها (مقالات، سخنرانی‌ها و یادداشت‌ها). قم: انتشارات دارالصدر.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۲. تفسیر المیزان. جلد ۴. قم: انتشارات اسلامی.
۲۱. عاملی، سید احمد. ۱۳۹۲. «اصل مساوات و اصول الگوی اسلامی نظام توزیع». پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. سال نوزدهم. پاییز. شماره ۹۸. صص ۸۹-۶۳.
۲۲. العسل، ابراهیم. ۱۳۷۸. توسعه در اسلام. ترجمه عباس عرب‌مازار. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۳. علم‌الهدی، جمیله. ۱۳۹۱. نظریه اسلامی تعلیم و تربیت (مبانی آموزش رسمی). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۴. علی‌اکبریان، حسنعلی. ۱۳۹۸. «ضابطه عدالت توزیعی در اقتصاد و سیاست». علوم سیاسی. سال بیست‌ودوم. پاییز. شماره ۸۷. صص ۵۶-۳۳.
۲۵. عیوضلو، حسین. ۱۳۸۴. عدالت و کارایی. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۲۶. فارابی، ابونصر. ۱۳۶۱. اندیشه‌های اهل مدینه فاضله. ترجمه سیدجعفر سجادی. تهران: طهوری. چاپ دوم.
۲۷. قابل، هادی. ۱۳۹۰. قاعده عدالت و نفی ظلم. قم: فقه الثقلین.
۲۸. قرضاوی، یوسف. ۱۴۱۰. فقه الزکاة. جلد ۲. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۵. الکافی. جلد ۱ و ۲. بیروت: درالأضواء.
۳۰. مبارک، اصغر؛ آذریبوند، زیبا. ۱۳۸۸. «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی». فصلنامه اقتصاد اسلامی. سال نهم. شماره ۳۶. صص ۱۷۹-۲۰۸.
۳۱. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳. بحار الأنوار. جلد ۷۲. بیروت: مؤسسه الوفاء.

۳۲. محمدبیککی، علیرضا؛ توتونچیان، مهری. ۱۳۹۸. «بررسی قاعده عدالت از دیدگاه فقه امامیه». فصلنامه علمی تخصصی مطالعات راهبردی فقه و حقوق. سال اول. پاییز. شماره ۳. صص ۸۱-۴۷.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۴. آموزش عقاید. قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۴. مطهری، مرتضی. ۱۴۰۳. بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات حکمت.
۳۵. _____ . ۱۳۸۷. مجموعه آثار شهید مطهری. جلد ۲۵. تهران: صدرا. چاپ دوم.
۳۶. موسویان، سید عباس. ۱۳۸۲. «جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام». اقتصاد اسلامی. سال سوم. شماره ۱۰. صص ۷۹-۵۵.
۳۷. میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر. ۱۳۸۳. حکمرانی خوب، بنیان توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳۸. نظری، حسن‌آقا. ۱۳۸۳. «عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام». اقتصاد اسلامی. سال چهارم. تابستان. شماره ۱۴. صص ۷۸-۶۳.
۳۹. نوری، حسین. ۱۳۶۹. «حکومت اسلامی و نقش انفال». حوزه. شماره ۳۷ و ۳۸. صص ۳۳۳-۳۴۶.
۴۰. واعظی، احمد. ۱۳۹۳. نقد و بررسی نظریه‌های عدالت. قم: مؤسسه امام خمینی.
۴۱. هادوی‌نیا، علی اصغر. ۱۳۹۹. «معیارهای عدالت توزیعی از دیدگاه قرآن کریم». آموزه‌های قرآنی. سال هفدهم. بهار و تابستان. شماره ۳۱. صص ۲۶-۳.
42. AusAID. 2008. **Economic governance**. ANNUAL THEMATIC PERFORMANCE REPORT 2006-07. Canberra. Australian Agency for International Development (AusAID).
43. Ayrikyan, Azatuhi & Zaman, Muhammad H. 2012. **Creating an Innovation Ecosystem: Governance and the Growth of Knowledge Economies**. Boston University.
44. Kjaer, Anne Mette. 2004. **Governance, Key Concepts**. Oxford. United Kingdom. Polity Press.
45. United Nations Development Programme. 1998. **Governance for sustainable growth and equity: report of International Conference**. New York. United Nations Development Programme. Management Development and Governance Division.
46. World Bank. 2000. "**Poverty Reduction Strategy Papers**". IMF and the World

Bank. September 7.

47. 2007 _____ . "A Decade of measuring the quality of governance: governance matters. World wide governance indicators. 1996-2007. Washington, D.C.



